

## بسم الله الرحمن الرحيم

### ترور فخری زاده، دانشمند هسته‌ای

(ترجمه)

#### پرسش

آژانس فرانس 24 به تاریخ 6 دسامبر 2020م به نقل از فدوی معاون فرمانده بسیج ایران خبر داد: «ترور محسن فخری زاده، دانشمند هسته‌ای ایران توسط 13 عدد گلوله‌ای صورت گرفته که از یک مسلسل پرتاب گردیده و مسلسل مذکور توسط کمرهٔ پیش‌رفته‌ای به کمک هوش مصنوعی، بالای صورت فخری زاده متمرکز گردیده بود.» قبلاً به تاریخ 2 دسامبر 2020م شورای حفاظت از قانون اساسی، که فعالیت‌های مجلس شورای "پارلمان" ایران را زیر نظر دارد، قانون ویژهٔ افزایش غنی‌سازی 20 درصدی یورانیوم را تصویب نمود؛ قانونی که اخیراً و در پیوند به ترور محسن فخری زاده دانشمند هسته‌ای ایران تبنی گردید. قانون یادشده میان حکومت حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران که با آن مخالفت نمود و آن را "مضر" خواند و میان پارلمان، که تمام نه بند آن را تأیید نمود، جدال به راه انداخت. پرسش اینست که چرا مسئولین ایران به جای این که متفقاانه اقدام به انتقام‌گیری از جهتی نمایند که در پس ترور مهم‌ترین دانشمند هسته‌ای مسلمان در ایران قرار دارد، با یک‌دیگر اختلاف می‌نمایند؛ به ویژه این که ایران اعلان نمود که دولت یهود در پس این قضیه قرار دارد؟ یا این که این اختلاف میان دولت و پارلمان به هدف بستن دوسیه/پروندهٔ این دانشمند هسته‌ای بالا گرفته، درست به همان اسلوبی که حکومت ایران دوسیهٔ پروندهٔ قاسم سلیمانی را بست؟

#### پاسخ

برای روشن شدن پاسخ، امور زیر را به بررسی می‌گیریم:

**اول:** محسن فخری زاده یکی از مسئولین وزارت دفاع و یکی از دانشمندان هسته‌ای ایران روز جمعه 27 نومبر 2020م طی یک عملیات مرموز ترور شد. مکان و چگونگی انجام این ترور چالش‌های زیادی را فراروی نظام حاکم در ایران قرار داده است. ترور مذکور یک اقدام بزرگ بوده و اهمیت آن کم‌تر از ترور قاسم سلیمانی فرماندهٔ لوای قدس در کانون ثانی 2020م نیست. چنان‌چه «گزارش‌ها نشان می‌دهد که دیپلمات‌ها وی را "پدر بمب هسته‌ای ایران" می‌دانستند». (منبع: بی بی سی 27 نومبر 2020م) اهمیت قضیه در این است که وی از یک طرف در برنامهٔ هسته‌ای و موشکی ایران یک شخصیت بزرگ و محوری بود و از طرف دیگر عملیات ترور وی در داخل خاک ایران اتفاق افتاده، بلکه در نزدیکی شهر تهران پایتخت ایران و نه در خاک عراق چنان که قاسم سلیمانی در آن ترور گردید. در عین حال؛ چگونگی این ترور که در آن از یک موتر/خودرو بمب‌گذاری شده و سلاح‌های مسلسل استفاده شده نیز بر اساس تمام معیارها برای ایران یک چالش به شمار می‌رود. هرچند روند ترور دانشمندان ایران یک روند جاری است و واکنش ایران در برابر این ترورها پیوسته این بوده که رژیم یهود را متهم و آن را هشدار می‌دهد که در مکان و زمان مناسب پاسخ خواهد داد، در حالی که هیچ پاسخی مشاهده نمی‌شود، اما شرایط بین‌المللی در حال حاضر سخت بالای ترور اخیر سایه افکنده، به ویژه شرایط برخاسته از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و تنش‌ها و دو دسته‌گی‌های ناشی از آن در داخل امریکا.

**دوم:** این ترور را که ایران خیلی سریع انگشت اتهام آن را متوجه رژیم یهود نمود می‌توان در باب تلاش متداوم رژیم مذکور در جهت تضعیف توانائی‌های استراتژیک هسته‌ای و موشکی ایران تلقی نمود و رژیم یهود می‌توانست مثل همیشه آن را انکار نماید تا از پس‌لرزه‌های احتمالی انتقام‌جویانه در امان بماند، اما این بار چنین نکرد، بلکه با اشاره‌ای که بیش‌تر به اعتراف شباهت داشت، اظهار نمود که این کار را انجام داده. روشن است که رژیم یهود چنین کاری را بدون چراغ سبز بزرگی از جانب اداره ترامپ انجام نمی‌دهد، بلکه حتی می‌توان گفت که اداره ترامپ حد اقل در مورد این تروری که رژیم یهود انجام داده راضی بوده، دلایل این رضایت قرار ذیل است:

1- دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا اخبار مربوط به این ترور را در صفحه تویترش بازنشر نمود. «ترامپ گزارش روزنامه نیویورک تایمز» در مورد ترور فخری‌زاده را در تویترش باز نشر نمود. ترامپ هم چنین تویتی مربوط به یوسی میلمان یک روزنامه‌نگار اسرائیلی را بازنشر نمود در آن گفته شده بود که این دانشمند ترور شده رئیس برنامه سری نظامی ایران بوده و سال‌هاست که توسط دستگاه استخباراتی اسرائیل، "موساد" تحت تعقیب قرار داشته و ترور وی ضربه روحی و فنی برای ایران به شمار می‌رود. (منبع: آرتی 27 نومبر 2020م) انگار ترامپ با این کارش ایران را هشدار می‌دهد که مبادا اقدام به عکس‌العملی نماید.

2- شبکه تلویزیونی الجزیره و سایت انترنتی آن به تاریخ 28 نومبر 2020م به نقل از نتنیاو نخست‌وزیر رژیم یهود گفت که وی برخلاف معمول این بار در اظهاراتی غیر مستقیم اشاره نمود که رژیم وی مسئول این ترور می‌باشد. «بنیامین نتنیاو نخست‌وزیر اسرائیل با نشر یک کلیپ تصویری از قبل تهیه شده بر خلاف معمول دستاوردهای را که به گفته خودش در جریان هفته گذشته داشته منتشر نمود. آن چه در این کلیپ قابل توجه و ملاحظه بود این بود که نتنیاو در شروع سخنان اش گفت که وی برخی از دستاوردهایش را به نمایش خواهد گذاشت و نه تمام آن را؛ زیرا نمی‌تواند تمام آن را منتشر نماید.» این بدان معنی است که رژیم یهود نه کاملاً این ترور را رد نمود و نه هم کاملاً تأیید، بلکه اشاره‌ای به آن نمود که بیش‌تر شباهت به پذیرفتن آن دارد. هم چنین به تمام سفارت‌خانه‌هایش در سراسر جهان دستور داد که در حالت آماده‌باش فوق‌العاده قرار داشته باشند.

3- اعلان امریکا مبنی به ارسال ناب هواپیمابر امریکائی موسوم به "یو اس اس نیمیتز" به تاریخ 27 نومبر 2020م، یعنی درست در روزی که این ترور اتفاق افتاد به خلیج فارس همراه با چند کشتی جنگی دیگر را نیز می‌توان نوعی تهدید و هشدار تلقی نمود. اندکی پیش از عملیات این ترور بود که بمب‌افکن بی‌52 امریکا به جانب خلیج فرستاده شد و پس از عملیات ترامپ فوراً هشدار داد که پاسخ امریکا ویران‌گر خواهد بود: «روزنامه واشنتن‌پست به نقل از برخی از مسئولین امریکائی اعلان نمود که ترامپ رئیس‌جمهور امریکا هشدار داده که در صورت کشته شدن هر امریکائی در عراق انتقام فوری و "کوبنده" خواهد گرفت. این هشدار که واشنتن‌پست از آن خبر داده همزمان با کشته شدن محسن فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای ایران به روز جمعه در نزدیکی تهران مطرح گردیده است.» (منبع: الحرة 28 نومبر 2020م)

**سوم:** موارد فوق همه به این معنی است که اداره حکومت ترامپ و رژیم یهود می‌دانند که ایران در جریان انتقال حکومت در امریکا هرگز دست به واکنش جدی نخواهد زد، به ویژه این که ایران امیدوار است بایدن رئیس‌جمهور منتخب امریکا سیاست جدیدی را با خود داشته باشد. اما باید دانست که ترامپ و بایدن تنها در ابزار و اسالیب با یک‌دیگر اختلاف دارند و منافع امریکا برای هر دو

نسبت به تمام حکومت‌های مزدور و حکومت‌هایی که در مدار امریکا در گردش اند، مهم‌تر و با ارزش‌تر است و با اندکی تدبیر می‌توان به وضوح به این واقعیت پی برد. هم‌چنین با دقت نمودن به موقف ایران متوجه می‌شویم که ایران قضیهٔ پاسخ به ترور فخری‌زاده را در هم‌پیچیده و بالای قضایای دیگری تمرکز می‌کند تا به این ترتیب افکار عامه را سرگرم امور دیگری غیر از پاسخ نظامی نماید، پاسخی که جمهور مردم ایران خواستار آن می‌باشند:

1- ایران عملیات ترور مهم‌ترین دانشمند و مسئول برنامهٔ هسته‌ای و موشکی خویش را فقط یک دام تعبیر نموده که به هدف کشانیدن ایران به جانب "هرج و مرج" گذاشته شده. این در حالی است که مسئول عملیات را می‌شناسد و از زبان روحانی رئیس‌جمهور خویش اعلان نمود که مسئول ترور مذکور و ادارهٔ ترامپ که حامی آن می‌باشند، قصد دارند هرج و مرج به راه اندازند، اما آنان بدانند که ما به بازی‌های آنان پی برده‌ایم و هرگز به اهداف پلیدشان نخواهند رسید. پس ایران می‌داند توسط کی ضربه زده می‌شود و قبلاً نیز توسط همان جهت با کشتن دانشمندان و نظامیان در عراق و سوریه ضربه زده شده، اما اینک باز مجدداً اعلان می‌کند که هرگز واکنش نشان نخواهد داد و در دام نخواهد افتاد، بلکه روز شمار منتظر رفتن بایدن به قصر سفید می‌ماند. این است همان ایرانی که ندای دشمنی با "شیطان بزرگ" را سر می‌دهد و با صدای بلند فریاد می‌زند: "مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل". ادارهٔ حکومت ترامپ کاملاً به خوبی آشکار نمود که دشمنی ایران با امریکا دروغی بیش نیست، چنان‌چه ادارهٔ مذکور علناً در یک اقدام بزرگ قاسم سلیمانی فرماندهٔ لوی قدس نیروهای بسیج ایران را در شروع سال 2020م در عراق ترور نمود، سپس کاظمی را بدون هیچ‌گونه توجهی به عدم رغبت ایران به این کار و بدون هیچ‌گونه توجهی به خوش‌خدمتی‌های ایران برای امریکا در سوریه و غیر سوریه حاکم عراق قرار داد.

2- ایران برای پرت نمودن افکار عامه از پاسخ مؤثر نظامی بالای یک مسئلهٔ دیگر نیز تمرکز نمود و آن مسئلهٔ غنی‌سازی تا 20% است، فیصدی که قبل از توافق هسته‌ای وجود داشت؛ اما بر اساس توافق، ایران ملزم گردید آن را تا 3.67% کاهش دهد. تمرکز روی افزایش غنی‌سازی باید باشد، اما نباید نقطهٔ اختلافی میان حکومت و سایر ارگان‌های دولت و به منظور پرت نمودن افکار عامه از پاسخ مناسب نظامی باشد، طوری که پارلمان آن را خیر و حکومت آن را مضر و شر بداند. «حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران امروز چهارشنبه در نشست اعضای حکومت اعلان نمود که با طرح قانونی برای مقابله با تحریم‌های امریکا و پاسخ به ترور محسن فخری‌زاده دانشمند ایرانی مخالف است، قانونی که پارلمان ایران، که محافظه کار این بالای آن تسلط ندارند، دیروز سه‌شنبه آن را تصویب نمود. به گفتهٔ تلویزیون دولتی ایران؛ روحانی این تصمیم پارلمان را "مضر" خواند. مهم‌ترین نکاتی را که پارلمان "محافظه کار" ایران تصویب نمود، عبارت از افزایش غنی‌سازی یورانیوم تا 20% و لغو پایبندی به پروتوکول الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای است. لازم به یادآوری است که ایران تا پیش از دستیابی به توافق هسته‌ای یورانیوم غنی‌شدهٔ 20% را تولید می‌نمود، اما بر اساس توافق مذکور متعهد شد غنی‌سازی را تا 3.67% کاهش دهد.» (منبع: العربی جدید 2 دسامبر 2020م) هم‌چنین، «شورای حفاظت از قانون اساسی که بر فعالیت پارلمان ایران نظارت دارد، با قانون ویژه برای افزایش غنی‌سازی یورانیوم که اخیراً در پیوند به ترور محسن فخری‌زاده ساخته شد موافقت نمود. قانون مذکور جدال میان نخبگان حاکم در ایران را بر انگیخت و حکومت حسن روحانی با آن مخالفت نشان داد.» (منبع: روسیهٔ امروز 2 دسامبر 2020م)

**چهارم:** از جمله نکاتی که حتماً باید به آن اشاره نمود این است که مسائل فوق‌الذکر به این معنی نیست که اداره حکومت ترامپ روابطش را با ایران قطع نموده، بلکه به این معنی است که امریکا در حجم بدرفتار و تحقیراش نسبت به ایران افزوده، طوری که می‌خواهد ایران ایستاده، نشسته و خوابیده در خدمت امریکا قرار داشته باشد، یعنی کاملاً همگام با منافع و خواسته‌های امریکا درگرددش باشد، چنان‌چه قبلاً قاسم سلیمانی ترور شد و ایران در واکنش هشدار داد و در نتیجه پایگاه عین‌الاسد را در عراق به گونه حساب‌شده طوری که انگار "دو طرف به توافق رسیده باشند" موشک‌باران نمود سپس هشدار مذکور پایان یافت. گرچه ایران قدرت خارجی کافی برای انتقام‌گرددن دارد، اما خود نمی‌خواهد این کار را بکند، چنان‌چه روزنامهٔ قدس عربی به تاریخ 24 نومبر 2020م به نقل از روزنامهٔ "میدل ایست آی" انگلیس نوشت که ایران شبه‌نظامیان خویش در عراق را وادار می‌کند، به هیچ‌وجه منافع امریکا در عراق را هدف قرار ندهند. روزنامهٔ مذکور نوشته: «ژنرال اسماعیل قانی فرماندهٔ لواء قدس 24 ساعت پس از هدف قرار دادن سفارت امریکا در منطقهٔ سبز بغداد با بارانی از موشک در هفتهٔ گذشته به عراق رسید و به فرماندهان گروه‌های عراقی دستور داد هدف قرار دادن مراکز امریکا را متوقف نمایند.»

**پنجم:** با دقت نمودن به تجاوز دولت یهود و موافقت امریکا با این تجاوز و تنش‌آلود نمودن فضا و در کل تمام جریان‌های اتفاق افتاده و جاری در خواهیم یافت که قضیه از این قرار است:

1- پس از اقدامات ترامپ در جهت نزدیکی با رژیم یهود مانند انتقال سفارت امریکا به قدس، به رسمیت شناختن الحاق منطقهٔ جولان سوریه توسط رژیم اشغال‌گر یهود و راه‌اندازی برنامهٔ "معاملهٔ قرن" جهت راضی نمودن رژیم مذکور، ادارهٔ ترامپ سرانجام به این قناعت رسیده که برنامهٔ هسته‌ای ایران برای رژیم یهود یک تهدید است و باید برطرف گردد و یا محدود شود و به همین دلیل است که ادارهٔ حکومت مذکور نسبت به هر ادارهٔ دیگری در امریکا به سرعت در این زمینه اقدام نمود. یکی دیگر از واقعیت‌های موجود در این پیوند که باید به آن اشاره نمود این است که پایگاه گستردهٔ مردمی امریکائیان سفیدپوست، محافظه‌کار و مسیحی، که بخشی از پایگاه مردمی حزب جمهوری‌خواه به شمار می‌روند با این سیاست امریکا موافق بوده و خواستار تأمین بیش‌ترین حد ممکن امنیت برای رژیم یهود می‌باشند، بلکه محافظت از این رژیم را یک مسئلهٔ فکری "دینی" و فراتر از یک مسئلهٔ سیاسی می‌دانند.

2- بعد از آن که روند دو دسته و چند دسته شدن در امریکا افزایش یافت و شدت گرفته، ادارهٔ ترامپ قصد دارد با متشنج نمودن اوضاع با ایران موانعی را در خاورمیانه در برابر بایدن رئیس‌جمهور منتخب قرار دهد و وی را وادار کند تا پس از تسلیم شدن قدرت در امریکا با قوت تمام با کشمکش‌های موجود در منطقهٔ نفتی جهان تعامل نماید و دلیل این کار ادارهٔ ترامپ همانا دیدگاه استراتژیک شرکت‌های نفت و انرژی و شرکت‌های تولید سلاح امریکاست که در سیاست امریکا تأثیر نیرومندی دارند.

3- نتیجهٔ انتخابات امریکا، هرچند تا کنون نتیجهٔ نهائی آن توسط تمام طرف‌ها مورد تأیید قرار نگرفته، باعث شده شرکت‌های نفت و انرژی و شرکت‌های تولید سلاح امریکا که در پس تبلیغات انتخاباتی ترامپ قرار داشتند:

- در داخل امریکا در موقعیت بازنده قرار گیرند و در انتظار برگشت امریکا به توافق‌نامهٔ پاریس در مورد آب و هوا به سر برند، توافقی که با برگشتن امریکا به آن، خسارت‌های هنگفتی را متوجه این نوع شرکت‌ها خواهد نمود و این می‌تواند در مورد قیمت نفت در

شرکت‌های مذکور مؤثر باشد به ویژه در مرحله "کرونا" که انتظار می‌رود تا آخر سال 2021م ادامه داشته باشد. به علاوه این که انتظار می‌رود بایدن رئیس‌جمهور منتخب امریکا به نحوی مجدداً به توافق هسته‌ای با ایران برگردد که این نیز تأثیر خود را بالای شرکت‌های یاد شده خواهد گذاشت.

- ترس و نگرانی‌های فوق باعث شده شرکت‌های مذکور از زمان باقی مانده حکومت اداره ترامپ کمال استفاده را ببرند، به ویژه با توجه به رد نمودن ادعاهای ترامپ مبنی بر تقلب در انتخابات توسط محکمه‌های امریکا که شانس وی در باطل نمودن نتیجه انتخابات را کاهش می‌دهد. بناءً شرکت‌های مذکور اداره ترامپ را تحریک می‌کنند تا اوضاع خلیج را متشنج نماید و هدف اصلی از تمام این اقدامات، افزایش قیمت نفت و افزایش میزان معاملات سلاح است.

**ششم:** متشنج نمودن اوضاع در خلیج ممکن است تیرک پاسخ عملی ایران به ترور فخری زاده را از جهت رژیم یهود به جهت سعودی و امارات تغییر دهد. توجیه این تغییر این جهت می‌تواند کار آسانی باشد؛ زیرا این دولت‌ها در حال عادی‌سازی روابطشان با رژیم یهود به صورت علنی یا مخفی می‌باشند و ایران هر از گاهی در مورد پاسخ به ترور مذکور از "منافقین" یعنی سعودی، امارات و بحرین نام می‌برد. حتی با وجود این که رژیم یهود با اشاره نزدیک به اعتراف مسئولیت ترور را پذیرفته، بازهم ایران می‌تواند به ساده‌گی ادعا کند که سعودی‌ها حمله نزدیک تهران را انجام داده اند، می‌تواند بگوید استخبارات سعودی این "اقدام یهود" در داخل ایران را هماهنگ نموده و سعودی آن را تمویل کرده است، مخصوصاً با توجه به سفر مخفی نخست‌وزیر رژیم یهود به سعودی که اخبار آن به تاریخ 23 نوامبر 2020م و دیدارش با ابن سلمان و پمپئو وزیر خارجه امریکا بالا گرفت. تمام این مسائل می‌تواند ارتباط دادن کار ترور فخری زاده را به سعودی ترجیح و تسهیل نماید. در عین حال ممکن است پاسخ ایران متوجه امارات شود، چنان‌چه الجزیره به تاریخ 1 دسامبر 2020م در صفحه اینترنتی اش به نقل از سایت "میدل ایست آی" انگلیس خبر داد که ایران «هشدار داده که در پاسخ به ترور فخری زاده مستقیماً امارات را مورد هدف نظامی قرار می‌دهد.» سایت یادشده انگلیس به نقل از یک منبع اماراتی که نخواست نام‌اش فاش شود گفته که «تهران مستقیماً با محمد بن زاید ولی عهد امارات تماس گرفته و به وی خبر داده که در پاسخ به ترور فخری زاده به امارات حمله نظامی خواهد نمود.» هم‌چنین ممکن است پاسخ ایران در قالب کمک موشکی و درن‌ها به حوثی‌ها در حمله به پایگاه‌های نفتی سعودی صورت گیرد، زیرا چنین کاری را قبلاً انجام داده و افزودن به آن بار مسئولیت زیادی را بر دوش ایران نخواهد گذاشت. اگر ایران چنین اقداماتی را انجام دهد، قطعاً مردم خویش را فریب داده، مردمی که خواستار پاسخ دادن به دست‌های واقعی دخیل در ترور هستند و نه این که پاسخ متوجه جهت‌هایی در اطراف این دست‌ها باشد.

**هفتم:** دانشمندان مسلمان یکی پس از دیگری به این شکل به قتل می‌رسند، به ویژه دانشمندان هسته‌ای ایران که پیوسته تکرار می‌شود، بدون این که هیچ پاسخی به آن داده شود. این روند باعث جرئت یافتن دولت مسخ‌شده اشغال‌گر موجود در سرزمین مبارک فلسطین گردیده و می‌گردد. آری تکرار بی‌پاسخ ترور دانشمندان مسلمان ایرانی این رژیم را همواره جرئت می‌دهد! این واقعاً دردآور است که حکام سرزمین‌های مسلمانان ذلت را به بهای عزت خریداری نمایند، که مزدوری کفار استعمارگر و یا کسانی را نمایند که در مدار آنان در گردش اند؛ به آنان تجاوز شود اما خاموش باشند، محرمات‌شان زیر پا شود و هیچ اعتراضی از خود نشان ندهند. این است وضعیت مسلمانان پس از سقوط خلافت، الله سبحانه و تعالی مسلمانان را با حکام مزدور و خود فروخته‌ای ابتلاء می‌کند که به هیچ تجاوزی پاسخ نمی‌دهند! عزت و شکوه مسلمانان هرگز بر نخواهد گشت مگر با برگشتن مجدد خلافت و آنگاه

است که خلیفه مسلمانان لشکری را برای کمک و یاری به یک زنی که یک مرد رومی به او اهانت نموده رهبری خواهد نمود و آن اهانت کننده را به سزای اعمال اش رسانیده و زادگاهش را فتح خواهد نمود! به این ترتیب است که عزت مسلمانان بر خواهد گشت؛ با سربلند نمودن مردانی که دنیا و لذت های آن برای شان ناچیز بوده و در جستجوی نعمت هایی استند که در نزد الله قوی و عزیز موجود است؛ مردانی که سربلند نموده و حکام مزدور و خائن را برای همیشه از اریکه های قدرت پایین بکشند و به این ترتیب دوران حکومت های جبری نیز به پایان برسد و باز همین مردان، امت را با توفیق الله متعال، که همواره یاری دهنده بنده گان مخلص بوده و هست، به جانب دولت عزت، مجد و کرامت سوق دهند. دولت خلافت دوم، دولتی که رژیم یهود را نیست و نابود خواهد نمود و دست امریکا و سایر کفار استعمارگر را از منطقه اسلامی قطع نموده و این منطقه را تا روز رستاخیز بر آنان حرام خواهد کرد. آنگاست که از بلندگوهای مساجد بارها و بارها ندای این آیت قرآنی سرداده خواهد شد:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ [اسراء: 81]

ترجمه: و بگو حق آمد و باطل نابود شد آری باطل همواره نابودشدنی است

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا﴾ [اسراء: 51]

ترجمه: و می گویند آن کی خواهد بود بگو شاید که نزدیک باشد

22 ربیع الآخر 1442 هـ.ق

7 دسمبر 2020 م